





# ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس

سید حسین موسویان  
ترجمه: منیرالسادات میرنظامی

سرشناسه	موسویان، سیدحسین، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	Mousavian Hossein
مشخصات نشر	ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس / سیدحسین موسویان؛ ترجمه منیرالسادات میرنظامی.
مشخصات ظاهری	تهران، روزنه، ۱۴۰۰.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۴۵۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: A new structure for security, peace, and cooperation in the Persian Gulf, 2020.
موضوع	شورای همکاری خلیج Gulf Cooperation Council امنیت بین‌المللی -- خلیج فارس، منطقه Security, Arab countries -- Foreign relations -- Iran International -- Persian Gulf Region کشورهای عربی -- روابط خارجی -- ایران Arab countries -- Foreign relations -- Iran -- Foreign relations -- Arab countries کشورهای عربی
شناسه افزوده	میرنظامی، منیرالسادات، ۱۳۶۳، مترجم
رده بندی کنگره	JZ۶۰۰۹:
رده بندی دیویی	۳۵۵/۰۳۰۵۳۶:
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۶۱۹۵۱:
اطلاعات رگورد کتابشناسی	فیبیا



انتشارات روزنه

## ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس

سیدحسین موسویان

مترجم: منیرالسادات میرنظامی

طرح جلد: نرگس موسوی

صفحه‌آرا: اکرم مداح

چاپ اول: ۱۴۰۲

قیمت: ۱۶۵۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: نوبخت

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

☎ شماره: ۸۶۰۳۴۳۵۹

☎ تلفن: ۸۸۵۳۶۳۰ - ۸۸۵۳۶۳۱

🌐 سایت: www.rowzanehnashr.com

📍 rowzanehnashr

📍 rowzanehnashr

ISBN: 978-622-234-452-8

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۴۵۲-۸

☀ استفاده از اطلاعات این کتاب با ذکر منبع بلامانع است ☀

# فهرست

۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	یادداشت مترجم.....
۱۷.....	ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس.....
۱۹.....	فصل اول: روابط تاریخی ایران با همسایگان عرب خلیج فارس.....
۶۵.....	فصل دوم: شکایات.....
۸۵.....	ساختار جدید صلح، همکاری و مشارکت در خلیج فارس.....
۸۷.....	فصل سوم: پیشگیری و حل و فصل منازعات منطقه ای در خلیج فارس.....
۱۲۳.....	فصل چهارم: گونه‌شناسی مناقشات خلیج فارس.....
۱۵۷.....	فصل پنجم: سناریوها و چشم‌اندازهای ممکن حل و فصل مناقشه در خلیج فارس.....
۱۹۷.....	منابع.....



## مقدمه

سید حسین موسویان، سفیر و مقام ارشد سابق در جمهوری اسلامی ایران است. وی با نقل مکان به ایالات متحده، در دانشگاه پرینستون اقامت گزیده است و در آنجا یکی از مطلع‌ترین و پرکارترین مفسران سیاست بین‌الملل در زمینهٔ ایران و خاورمیانه به حساب می‌آید. در این کتاب، او زیربنای تاریخی و سیاسی روابط تیره میان ایران و عربستان سعودی، دو دولت قدرتمندتر خلیج فارس را بررسی می‌کند.

موسویان برای این کار فوق‌العاده مجهز است. در سال‌های آغازین انقلاب ایران، وی از سوی رئیس‌جمهور رفسنجانی به عنوان فرستاده ویژه تعیین شد و مستقیماً با عبدالله، ولیعهد عربستان (که بعداً پادشاه شد) مذاکره کرد. با وجود چالش‌های فراوانی که دو کشور رقیب را درگیر خود کرده بود، این تلاش دیپلماتیک در کمال ناباوری موفق از کار در آمد. جزئیات آن مذاکرات در این‌جا توسط نویسنده به صورت مفصل و برای اول بار منتشر می‌شود. توصیف وی از مذاکرات شاید متقاعدکننده‌ترین گواه بر نظریهٔ اصلی موسویان باشد: این‌که مذاکرات مستقیم بین این دو دولت رقیب نه تنها ممکن، بلکه همان چیزی است که منطقه به آن نیاز بسیار دارد.

در هر تلاش برای رسیدگی به این رقابت منطقه‌ای تاریخ به شدت دخالت می‌کند؛ رقابتی که ریشه‌هایش به صدر اسلام می‌رسد، و با دخالت ایالات متحده و پیش از آن انگلستان تشدید شده است. موسویان نمی‌خواهد گلایه‌های قدیمی را بر بشمارد، اما حتی تلخیص او از اختلافات متأخر – که اساساً از زمان تسلط بن‌سعود بر عربستان و ائتلاف وی با آموزه‌های سخت‌گیرانه‌ی وهابی آغاز شد – نمی‌تواند از پژواک‌های تند

گذشته بپرهیزد. در سیاهه وی نخستین شکایت تخریب عمدی قبرستان بقیع در مدینه در راستای مخالفت وهابی‌ها با پرستش نمادهای گذشته است، جایی که تعدادی از بستگان و اصحاب پیامبر دفن شده‌اند. اگرچه این حادثه‌ای است که بر آن هم اهل سنت و هم شیعیان هنوز تاسف می‌خورند، برای شیعیان همواره یادآور تفاوت‌های اعتقادی است که دو مذهب اصلی اسلام را از هم جدا می‌کنند و در مراسم حج نقطه اختلافی برای زوار شیعه است.

غیرمسلمانان و کسانی که با این منطقه آشنایی ندارند، شاید از غلبه اختلافات مرتبط با حج، این زیارت سالانه اماکن مقدس عربستان متعجب شوند. طی دهه‌ها، بویژه در طول چهل سال پس از انقلاب ایران این حوادث به کرات رخ داده و بعضاً منجر به تلفات جانی شدید شده‌اند. در بعضی موارد، درگیری‌ها توسط حجاج شیعه ایرانی به عنوان پرچمداران سیاست دینی انقلابی آغاز شد. ولی به نظر می‌آید برخی نیز ناشی از ناکارآمدی سعودی‌ها در مدیریت جمعیت انبوهی باشد که مکان‌های مقدس را روز به روز پرت‌تر می‌کنند. در زمان‌های مختلف، ایران کوشید حرکت‌هایی را برای سلب اختیار از سعودی‌ها و جایگزینی آن با مدیریت بین‌المللی رهبری کند. اگرچه این تلاش‌ها هرگز کنترل عربستان بر مراسم حج را به‌طور جدی تهدید نکرده است، ولی برای پادشاهی عربستان سعودی احتمالاً هیچ توهینی بزرگ‌تر از آن نیست که در انجام مقدس‌ترین وظیفه‌اش به عنوان خادم حرمین شریفین، شکست خورده معرفی شود. در سلسله شکایات این دو قدرت رقیب از یکدیگر، حوادث مرتبط با زیارت اماکن مقدسه در کنار جنگ‌ها و دیگر تحولات مهم سیاسی عوامل آزاردهنده‌ای شناخته می‌شوند که به آسانی قابل درمان نیستند.

موسویان همچنین به رهبری ایران نزدیک است. او اگرچه هرگونه ادعایی مبنی بر سخنگویی رسمی را رد می‌کند، ولی تفسیرهایی آگاهانه و پیچیده از وقایع ارائه می‌دهد، که نشان دهنده درک عمیق از دیدگاه‌های ایرانیان است، نقطه‌نظراتی که به واسطه سال‌ها تماس وی با مخاطبان آمریکایی و غیرایرانی از طریق نوشته‌ها و برنامه‌های سخنرانی پختگی یافته‌اند. بدین ترتیب، روایت او شامل برخی افشاگری‌های غیرمنتظره است، مانند پیشنهاد قذافی، رئیس‌جمهور وقت لیبی برای پیوستن به ایران برای سرنگونی خاندان سلطنتی سعودی - پیشنهادی که رد شد. این حکایت به عنوان



شاهد ارائه می‌شود تا معلوم کند علیرغم ادعای عربستان، ایران هرگز مایل به توطئه علیه پادشاهی سعودی نبود. [هرچند خود] قطعاً گواهی قانع‌کننده از عمق نفرت‌ها و دسیسه‌های منطقه‌ای است.

موسویان از تعاملاتش با نمایندگان شورای همکاری خلیج فارس بهره می‌گیرد تا یک مطالعه تقریباً موردی در شکل گفتگو ارائه کند. او واکنش نمایندگان شورای همکاری خلیج فارس به سخنان مختلف خود و پاسخ‌های خویش را بازگو می‌کند. گزیده این گفت‌ووشنیدها از جذاب‌ترین فرازها در این کتاب کوچک است.

ایران سال‌هاست که پیشنهاد گفت‌وگو با هم‌تایان عرب خود در خلیج فارس را مطرح می‌کند. این کتاب، که در واقع مقاله‌ای گسترده است، منطق چنین رویکردی را در متن تلاش صلح هرمز (امید) - ارائه شده توسط رئیس‌جمهور روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۹ - به بیان در می‌آورد. کتاب با تشریح گام‌های ویژه‌ای که با تعیین اهداف سودمند متقابل می‌توانند توسط همه‌ی طرف‌ها برداشته شوند و با شناسایی اهداف متقابلاً سودمندی که قادرند برای مذاکرات سازنده برنامه‌کار فراهم آورند آن نطق را بسط می‌دهد.

در نهایت، موسویان استدلال می‌کند که مشکلات منطقه قابل مدیریت‌اند و به طور بالقوه می‌توانند انگیزه‌ی همکاری بیشتر منطقه‌ای باشند. به هر روی، انجام این کار مستلزم درگیر شدن همه‌ی کشورهای منطقه در فرایندی امنیتی است. وی خاطر نشان می‌کند که خاورمیانه تنها منطقه‌ای است که فاقد نوعی سازوکار امنیتی چندجانبه است. قانع‌کننده‌ترین استدلال او - مبنی بر امکان هدایت گفتگوی معنادار علی‌رغم موانع بسیار، از جمله وجود سابقه‌ی درگیری و جنگ داخلی در منطقه - تجربیات خود اوست. حسین موسویان به دنبال فرصت‌هایی برای عبور از این موانع است. او در گردهمایی‌های بین‌المللی، غالباً به عنوان تنها ایرانی شرکت‌کننده حضور می‌یابد و با هم‌تایانش وارد گفت‌وگوهای جدی می‌شود. برخی از آن مناسبت‌ها در این کتاب بازگو شده‌اند. پیشنهادات وی دیدگاه ایرانی را منعکس می‌سازند، اما احترام به دیدگاه‌های بدیل را نیز نشان می‌دهند.

از نظر موسویان، مفهوم چارچوب امنیتی منطقه‌ای برای خاورمیانه، امر بدیعی نیست. حداقل از زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۸۸ به جنگ

## ❖ ۱۰ ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس

ایران و عراق پایان داد، چنین چیزی در دستور کار بین‌المللی قرار داشت، اما هرگز مورد آزمایش قرار نگرفت. این کتاب کم‌حجم مجموعه‌ای از پیشنهادات در مورد نحوه‌ی شروع آن فرآیند ارائه می‌کند. اینک بهترین وقت برای طرح این پیشنهادات است.

گری سیک  
دانشگاه کلمبیا

## یادداشت مترجم

کتاب‌های بسیاری در حوزه چالش‌ها و تحولات روابط ایران و کشورهای خلیج فارس به رشته تحریر در آمده است. سعید بدیب یکی از نخستین محققانی بود که روابط سعودی و ایران را میان سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۳۲ تحلیل تاریخی کرد. ولی شاید در دوره پیش از پایان جنگ سرد، مهم‌ترین مطالعه را فیصل بن سلمان<sup>۱</sup> به انجام رساند. او در کتابی با عنوان ایران، عربستان سعودی و خلیج فارس: سیاست قدرت در گذار ۱۹۷۱-۱۹۶۸، نقش سیاست قدرت در منطقه خلیج فارس را پس از پایان استعمار بریتانیا مفصلاً شرح می‌دهد. استدلال او مبتنی بر رویکردی واقع‌گرایانه و با توجه به این نکته است که در دوره مورد بحث، کشورهای حوزه خلیج فارس قادر به تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بدون دخالت قدرت‌های خارجی، بویژه ایالات متحده نبودند. این کتاب اهمیت بسیار دارد، زیرا در مورد کشورهای حوزه خلیج فارس اطلاعاتی در اختیار قرار می‌دهد که تا پیش از انتشار آن در دسترس اکثر محققان نبودند.

چند دهه بعد با وجود وقوع تحولات بسیار، نکته فیصل بن سلمان در مورد نقش تعیین‌کننده کنش قدرت‌های بزرگ در منطقه، در متون دیگر تحلیلگران، نظریه‌پردازان و متخصصان مسائل خاورمیانه مستمراً تکرار می‌شود. در این میان مشهورترین و مسلط‌ترین رویکرد واقع‌گرایی است، که بر اساس آن تعارض و همکاری میان ایران و عربستان در وهله اول حاصل تأثیرگذاری ساختار نظام بین‌الملل و قدرت‌های مسلط

---

1. Faisal Ben Salman

فرمانطقه‌ای همچون آمریکا و در وهله دوم، نتیجه قابل‌پیش‌بینی سیاست قدرت در روابط میان ایران و عربستان برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای و یا ترکیبی از هر دو است. در تحلیل مسائل این دو دولت قدرتمند منطقه، واقع‌گرایان حتی موضوعاتی چون فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی را در خدمت رقابت‌های هژمونیک می‌دانند. بر این اساس محققانی چون شهرام چوبین<sup>۱</sup> و چارلز تریپ<sup>۲</sup> معتقد بودند ایالات متحده به عنوان بازیگر فرمانطقه‌ای توازنی مصنوعی در منطقه به وجود آورده است که دو کشور ایران و عربستان تأثیر اندکی بر آن دارند. اگرچه نمی‌توان انکار کرد که در پایان جنگ اول خلیج فارس و پیش از آن تعادل قدرت و سیاست قدرت بر روابط ایران و عربستان تأثیر می‌گذاشت، اما چنین چارچوبی توضیح نمی‌دهد که این دو کشور چرا در اواخر دهه ۱۹۸۰ م. با وجود عدم تغییر جایگاه آمریکا در نظم منطقه، به هم نزدیک شدند، یا در سال ۱۹۹۱ م. به رغم ظهور تهدیدی به نام عراق و اشغال کویت توسط صدام به جای همکاری سعی در مهار یکدیگر کردند.

واقع‌گرایانی مانند هنر فرتیگ<sup>۳</sup> برای توضیح رقابت هژمونیک ایران و عربستان در زمان جنگ‌های خلیج فارس، به تأثیر ایدئولوژی‌ها پرداخته‌اند، باز بی‌آنکه توضیح دهند چرا ایران با وجود پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، دوره‌های متمادی از همکاری، رقابت و حتی تعارض با عربستان سعودی را تجربه کرد. در این میان پژوهشگران واقع‌گرایی چون گاوز<sup>۴</sup> در کتاب روابط بین‌الملل خلیج فارس، کوشیده است بیشتر به سیاست قدرت میان ایران و عربستان بپردازد. او تعارض میان این دو را بر مبنای چهار مسئله تحلیل می‌کند: اول، اختلاف نظر در مورد مرزهای دریایی و سرزمینی که شامل ادعاهای ایران بر میداین نفتی بحرین و کویت و مهم‌تر از آن مالکیت جزایر سه‌گانه در خلیج فارس - تنب بزرگ، تنب کوچک و ابو موسی - است. دوم، اختلاف بر سر نظم منطقه‌ای، از جمله مخالفت ایران با حضور نظامی آمریکا در منطقه و مهم‌تر از آن تلقی تهدید از اتحاد عربستان سعودی و آمریکا برای امنیت ایران، امری که تأکید بر

1. Shahram Chubin

2. Charls Tripp

3. Henner Fürtig

4. F. Gregory Gause

رقابت را منطقی می‌سازد. سوم، رقابت اقتصادی، یعنی رقابت بر سر قیمت نفت، کالایی که هر دو دولت برای زنده ماندن به درآمد ناشی از فروش آن وابسته‌اند، و مناقشات مکرر برای کنترل مدیریت اوپک. چهارم، رقابت تسلیحاتی میان دو کشور که باعث ایجاد فضای رقابتی هراس‌آور شده است. عربستان برای مقابله با ایران، برنامه هسته‌ای بحث‌برانگیزی را آغاز کرده است تا بتواند برتری خود را در برابر ایران حفظ کند.

تحلیل لیبرال‌هایی همچون محمد نورالزمان<sup>۱</sup> از تعارض ایران و کشورهای عرب خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، بیشتر اقتصادمحور است و این دولت‌ها را واجد تأثیر در معادلات منطقه‌ای در نظر نمی‌گیرد، کما اینکه نقش عربستان را در امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و اجرایی شدن رژیم‌های تحریم علیه جمهوری اسلامی نادیده می‌انگارد. از سوی دیگر، برخی از لیبرال‌ها در بررسی روابط ایران و عربستان، معتقدند هر دو دولت به‌طور ساختاری به دلیل ماهیت رژیم‌های سیاسی‌شان و نحوهٔ بر ساخت و اعمال سیاست خارجی خود، در رقابت با یکدیگر گیر افتاده‌اند. حامیان این نظر معتقدند تصمیمات حیاتی سیاست خارجی عربستان همچون عادی‌سازی روابط در دست پادشاه و مجموعه‌های نزدیک به خانواده سلطنتی است. در ایران نیز اصول انقلابی ضدپادشاهی حاکم‌اند؛ این اصول به اقتدار نخبگانی رسمیت می‌بخشد که به روشنی از ختم‌شده‌ها پوپولیستی حمایت می‌کنند، امری که موجب ترکیب سیاست خارجی با جناح‌بندی‌های داخلی می‌شود. نتیجه آنکه دولت‌ها ظاهراً قادر نیستند به یک سیاست خارجی منسجم شکل دهند.

رویکردهای بدیل، اعم از برساخته‌گرایی متعارف و انتقادی و پسا‌ساختارگرایی به عواملی هویتی از قبیل قومیت‌گرایی، فرقه‌گرایی، شکاف میان عرب و فارس، گفتمان‌های اسلام‌گرا و گفتمان‌های انقلابی می‌پردازند. این رویکرد که بر تفاوت‌های فرقه‌ای یا ایدئولوژیک متمرکز است، ابتدا با وقوع انقلاب اسلامی ایران و احیای هویت شیعی در منطقه در تقابل با هویت وهابی عربستان سعودی، و در مرحلهٔ دوم با سرنگونی رژیم صدام در سال ۲۰۰۳م. بسیار فعال شد. در این رویکرد، منبع اصلی تعارض میان عربستان سعودی و ایران در هر دو مرحله اختلافات مذهبی و عقیدتی بیان می‌شود.

برای مثال، به دلیل وجود اماکن مقدس اسلامی در مکه و مدینه، عربستان سعودی خود را رهبر جهان «اهل سنت» و «عرب» می‌داند، زعامتی که این کشور را در تقابل با رویکرد ایران برای اشاعهٔ تشیع و تسلط بر اعراب قرار می‌دهد. تحلیلگرانی مانند نصر<sup>۱</sup>، بهزاد<sup>۲</sup> و ماژین<sup>۳</sup> از جمله کسانی هستند که بر جنگ سرد فرقه‌ای میان ایران شیعه و کشورهای سنی خلیج فارس تاکید دارند. برخی صاحب‌نظران مخالف نظریهٔ هویت شیعی هستند و می‌گویند که در منطقه هویت‌های شیعه و سنی یک کل همگن را شکل نمی‌دهند، و علاوه بر آن تحلیل همکاری یا نزاع میان دولت‌های منطقه به عنوان مبارزهٔ قدرت بین اعراب سنی و ایرانیان شیعه، اهداف بسیاری از بازیگران سیاسی را نادیده می‌گیرد و این جامعهٔ بسیار متنوع را به کمترین مخرج مشترکش کاهش می‌دهد. تحلیل گرانی مانند چریولی<sup>۴</sup> برای رفع نقدها به دوگانه‌انگاری شیعه-سنی، عوامل دیگری چون نقش‌های تعریف‌شده در منطقه توسط دولت‌ها را وارد تحلیل مناسبات ایران و عربستان سعودی می‌کنند. به اعتقاد آنها، از یک سو عربستان سعودی خود را به عنوان یک سلطنت باثبات، ثروتمند و نیکوکار، متحد غرب، و حافظ وضع موجود خلیج فارس و اسلام میانه‌رو معرفی می‌کند. از سوی دیگر، ایران به عنوان سردمدار تجدیدنظرطلبی مخالف نظم منطقه‌ای فعلی، منتقد دخالت‌های بیرونی در خاورمیانه و مدافع جنبش‌های مردمی اسلامی است.

عادل الطریفی<sup>۵</sup> در اثر خود تحت عنوان **ظهور و افول روابط حسنهٔ ایران و عربستان از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۹ م**، تعارض میان این دو دولت را حاصل تقابل دو گفتمان عربستان و ایران می‌داند، که علاوه بر عوامل نهادی برآمده از عوامل شناختی است. بر این اساس او تاثیر فرقه‌گرایی، ملی‌گرایی، ایدئولوژی انقلابی ایران، رقابت برای هژمونی منطقه‌ای، قیمت نفت یا حضور نظامی آمریکا، یا اختلافات بر سر نحوهٔ برگزاری مراسم حج را به چالش می‌کشد و معتقد است، این علل نمی‌توانند دوری ایران و عربستان در ۱۹۷۹ و نزدیکی این دو را در ۱۹۹۷ توضیح دهند.

1. Vali Nasr

2. Diansaei Behzad

3. Shokrollah Kamari Majin

4. Luiza Gimenez Cerioli

5. Adel Altaorafi

کتاب آرشین ادیب مقدم<sup>۱</sup> با عنوان در سیاست بین‌الملل خلیج فارس: تبارشناسی فرهنگی، نمونه‌ای از رویکرد تبارشناختی در این حوزه است که تعارض میان ایران و عربستان را بر ساخته تاریخ رقابت این دو در دوره مدرن، پیشینه هر یک از این دولت‌ها در فرایند گسترش نظام تولید جهانی و مرزبندی‌ها میان آنان و دیگر همتایان‌شان می‌داند. ادیب مقدم معتقد است علاوه بر وجود چنین تاریخی، تحولات دوره‌های اخیر نیز هنجارهای تعارض را تقویت کرده است. نخست، تسلط آموزه‌های راهبردی نومحافظه‌کارانه، از جمله یک‌جانبه‌گرایی و حمله پیشگیرانه پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و دوم، ظهور یک جریان اسلام‌گرای سیاسی نوین‌دگرا که با هرگونه مذاکره با غرب مخالف است و ثبات رژیم‌های محافظه‌کار حاکم، خصوصاً عربستان سعودی را تهدید می‌کند.

زمانی که شروع به ترجمه کتاب حاضر کردم، به واسطه نگارش رساله‌ام در حوزه گفتمان تعارض و همکاری میان ایران و عربستان به مجموعه پژوهش‌هایی به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آنچه بر شمردم برخورد کردم. دقیقاً به واسطه مواجه شدن با این سابقه پژوهشی در حوزه روابط ایران و کشورهای خلیج فارس، به‌خصوص عربستان بود که ارزش کتاب دکتر موسویان را دانستم. در میان انبوه نظریه‌ها و تحلیل‌های نظری پیرامون این موضوع بسیار مهم، تنها کتاب‌هایی می‌توانند ما را به مقصود برسانند که روایتی تاریخی، دقیق و جدید به ما ارائه کنند. کتاب دکتر موسویان با دیگر آثار و پژوهش‌هایی که در این مقدمه از آن‌ها یاد کردیم بسیار تفاوت دارد، زیرا به قول گوته ما را از دنیای تیره و تاریک دور می‌کند و به واسطه تجربیات و دانش نویسنده‌اش اطلاعات، داده‌ها و در نهایت چشم‌اندازی عملی از روابط ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس در اختیار ما می‌گذارد تا با دیدی جدید به سراغ دیگر تالیفات در این حوزه برویم. دکتر سید حسین موسویان، دیپلمات پیشین و استاد فعلی دانشگاه پرینستون آمریکا، قبل از کتاب حاضر آثار دیگری در باب چالش‌های مهم سیاست خارجی ایران از جمله روابط ایران و آلمان، روابط ایران و اروپا، بحران هسته‌ای ایران، و روابط ایران و آمریکا به زبان‌های فارسی و انگلیسی تالیف کرده است. اما پیش از این تالیفات، شهرت او

حاصل سه دهه حضور در عرصه‌های دیپلماتیک و دست‌وپنجه نرم کردن با چالش‌های مهم سیاست خارجی ایران است. طی چهار دهه اخیر، یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها روابط ایران و دولت‌های خلیج فارس و به‌خصوص عربستان بود. امیدوارم تالیف کتبی این چنین از سوی دیگر دیپلمات‌های دولت‌های منطقه باب گفت‌وگو و تبادل نظر را در مجامع علمی و دانشگاهی منطقه بگشاید و فضایی برای توضیح منصفانه و مستقیم سیاست خارجی دولت‌ها و دغدغه ملت‌ها به وجود آورد.

در پایان از استادم دکتر رحمن قهرمان‌پور صمیمانه سپاسگزارم که موجب آشنایی من با جناب دکتر موسویان و ترجمه‌ی کتاب ایشان شد. این ترجمه با نظرات اصلاحی دکتر موسویان بسیار خواندنی شده است و امیدوارم خواننده، نقائص آن را در کنار اهمیت کار نویسنده بر من ببخشد. هم‌چنین از نشر روزنه و به‌خصوص دکتر سید حامد بهشتی برای همراهی و کمک‌های خالصانه‌شان در این مسیر بسیار سپاسگزارم.

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان      هزار باده ناخورده در بن تاک است





ساختار جدید امنیت، صلح  
و همکاری در خلیج فارس



## فصل اول: روابط تاریخی ایران با همسایگان عرب خلیج فارس

خلیج فارس نقطه‌ای کانونی در جغرافیای اقتصادی، ژئوپلیتیک و راهبردی خاورمیانه است. اینجا از نظر راهبردی محل تلاقی مناطق مهمی چون آسیای جنوبی و خاورمیانه به شمار می‌آید که شبه‌قاره‌ی هند را به جهان عرب متصل می‌کند. خلیج استراتژیک فارس با طولی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر و عرضی میان ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر مساحتی بالغ بر ۲۲۶,۰۰۰ کیلومتر مربع دارد؛<sup>(۱)</sup> عمق [متوسط] آن غالباً ۳۵ متر برآورد می‌شود، ولی در برخی نواحی، به‌خصوص در نزدیکی تنگه‌ی هرمز به بیش از ۹۰ متر می‌رسد. تنگه‌ی هرمز آب‌راهی است که ۴۰ درصد عرضه‌ی نفت جهان از آن می‌گذرد و خلیج فارس را به دریای عرب و سپس اقیانوس هند متصل می‌کند. کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس عبارتند از ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی [، بحرین] و عمان. عربستان سعودی و ایران بزرگترین کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس هستند. ایران با جمعیتی ۸۰ میلیونی بالغ بر ۱,۶۴۸,۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت خامش را از میادینی در شمال خلیج فارس استحصال می‌کند. بنادر و بندرگاه‌های ایران در خلیج فارس شامل آبادان، خرمشهر، گناوه، بوشهر، لنگه و بندرعباس است. اکثر این بنادر قادرند از نفتکش‌های بزرگ میزبانی کنند. چابهار، بندری در منطقه‌ی آزاد تجاری در ساحل دریای عمان و جنوبی‌ترین شهر ایران است. در کل، ایران هفده جزیره در خلیج فارس به نام‌های هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، فارور، بنی فارور، سیری، کیش، هندورابی، شتور، خارک، لاوان، و فارسی دارد.<sup>(۲)</sup> جدول ۱-۱ توضیحاتی کلی پیرامون جمعیت، مساحت، اندازه‌ی اقتصاد

## ۲۰ ❖ ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس

و هزینه‌های نظامی دولت‌های خلیج فارس ارائه می‌دهد. در حالی که هزینه‌ی نظامی آمریکا ۳/۲ درصد، روسیه ۳/۹ درصد و آلمان ۱/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها است، هزینه‌ی نظامی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۸ به ۸/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی بالغ شد، که بالاترین میزان در دنیاست.

اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس مسلمانند، هرچند در آن‌ها اقلیت‌های غیرمسلمان نیز به سر می‌برند. غالب جمعیت ایران و عراق مسلمانان شیعه‌اند، حال آن‌که در دولت‌های عربی خلیج فارس شیعیان اقلیت به شمار می‌آیند. در قرن هجدهم، شبه‌جزیره‌ی عربستان شاهد ظهور شخصیتی مهم به نام محمد بن عبدالوهاب بود که جنبش وهابیت را در عربستان سعودی بنیان گذاشت.<sup>(۳)</sup> وهابیت عموماً یک جنبش مذهبی و مکتب فوق‌محافظة‌کار با هدف احیای ایمان به خداوند در جهان اسلام از طریق «توحید حقیقی» و پاکسازی سنت از «تحریف بدخواهان» تعریف می‌شود.<sup>(۴)</sup> وهابی‌گری اساساً به معنای ردّ تمامی دیگر سنت‌ها و فرقه‌هایی است که در دل جهان اسلام رشد کرده‌اند،<sup>(۵)</sup> و در آن انکار سنت شیعی به صورت خاص مورد توجه قرار می‌گیرد.

جدول ۱-۱ جمعیت‌شناسی کشورهای خلیج فارس (۲۰۱۸ - ۲۰۱۹)

کشور	جمعیت	مساحت (کیلومتر مربع)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	هزینه‌ی نظامی (میلیارد دلار)
ایران	۸۳,۰۹۸,۷۴۸	۱,۶۴۸,۱۹۵	۴۲۵/۴۰۳	۱۳/۲۰
عربستان سعودی	۳۴,۲۶۸,۵۲۸	۲,۱۴۹,۶۹۰	۶۳۹/۶۱۷	۶۷/۶۰
عراق	۳۹,۳۰۹,۷۸۳	۴۳۷,۰۷۲	۱۶۰/۰۲۱	۶/۳۰
امارات متحده عربی	۹,۷۷۰,۵۲۹	۸۳,۶۰۰	۳۴۸/۷۴۴	۲۴/۶۰
کویت	۴,۲۰۷,۰۸۳	۱۷,۸۱۸	۱۱۰/۳۴۶	۷/۳۰
قطر	۲,۸۳۲,۰۶۷	۱۱,۵۸۶	۱۵۲/۴۵۲	۲۱/۷۴
بحرین	۱,۶۴۱,۱۷۲	۷۶۵	۳۲/۱۷۹	۱۳/۹۷
عمان	۴,۹۷۴,۹۸۶	۳۰۹,۵۰۱	۶۳/۱۷۱	۶/۷۰